

تجلی معراج رسول اکرم (ص) در ادب فارسی

محمد رضا قاری^۱

چکیده:

تجلی قرآن کریم در ادب پارسی (نظم و نثر) غنای ویژه‌ای را به متون نظم و نثر بخشیده است. از میان جلوه‌های آیات شریف قرآن، جلوه سوره‌های «اسراء» و «نجم» در مقدمه و دیباچه دواوین اشعار و آثار نویسندگان قابل اهمیت است و کاربرد، اقتباس و بهره‌گیری از آیات شریفه قرآن در باب معراج رسول اکرم (ص) پس از توحید باری تعالی، مطمح نظر سراینندگان و نویسندگان مسلمان بوده است. در این مقاله بیان می‌گردد که توجه به آیات قرآنی بویژه در مبحث مورد نظر به عنوان یک اصل مهم در ذهن و زبان ادیبان جای گرفته و به عنوان یک سنت ادبی در طی قرون متمادی با زیبایی ظاهری و باطنی آیات شریفه و نبوغ شاعران و نویسندگان ترسیم شده است آوردن شواهد شعری و مصادیق هر اثر خود مؤید این موضوع است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، معراج، شاعران، نویسندگان، اقتباس، سنت ادبی.

طرح مسأله

همانگونه که مسلم و واضح است مهمترین و موثق‌ترین منبع درباره معراج پیامبر اکرم (ص) کتاب آسمانی ما قرآن کریم است. خداوند متعال در آیات متعددی به این واقعه اشاره نموده است (از جمله نک به: الاسراء... ص ۱۳۶). در این مقاله به بررسی این واقعه مبارکه قرآن، مفسران و مورخان به توضیح و تفسیر این مهم پرداخته‌اند. و نیز شاعران و نویسندگان به‌صورت مختلف در آغاز دواوین و منظومه‌ها و یا در ضمن اشعار و آثار منشور خود به پاس تیمن و تقدس اشعار و آثار خود را بارایحه آیات قرآن در موضوع معراج و نعت رسول اکرم (ص) نغز و دل‌انگیز نموده‌اند و همراه با تصویرسازی شاعرانه، فحوای زیبا و نغزی را به اشعار خود داده‌اند که در این مقاله نمونه‌هایی از این اقتباس مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

معراج رسول خدا (ص) در قرآن و تجلی آن در آثار ادبا

نخستین سوره و آیه، در اشاره مستقیم به معراج حضرت رسول (ص) سوره «بنی اسرائیل» است البته این سوره نام‌های دیگری از جمله: «اسراء» و یا «سبحان» دارد در آغاز این سوره آیه شریفه ذیل آمده است:

«سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله
لنریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر». یعنی: منزه خدایی است که یک شب بنده خود
محمد(ص) را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد، مسجد اقصی محلی است که اطراف
آن را متبرک ساخته‌ایم این سیر در شب برای آن بود، که حکمت و اسرار و آیات قدرت
خود را به محمد (ص) ارائه دهیم. آری خداوند به همه اسرار شنوا و بیناست.

دومین سوره بعد از سوره «اسراء» یا «بنی اسرائیل» سوره نجم است که پروردگار متعال
در آیات هفتم تا هجدهم این سوره به معراج پیامبر اکرم (ص) اشاره دارد:

«و هو بالافق الاعلی ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین اوادنی فاوحی الی عبده ما اوحی ما
کذب الفواد ما رای افتمارونه علی ما یری و لقد راه اخری عند المنتهی عندها
المأوی اذ یغشی ما زاغ البصر ما طغی لقد رأی من آیات ربه الکبری»

تجلی معراج رسول اکرم (ص) در ادب فارسی ۱۳۷

همچنین در سوره تکویر نیز به دیدار پیامبر اکرم (ص) جبرئیل را در اقصیٰ اعلیٰ اشارت دارد (همان سوره، ۲۳) و اشارتی نیز در آیه ۶۱ سوره اسراء به این موضوع شده است. اما از این میان همانگونه که از آثار نظم و نثر شاعران و نویسندگان مشهود است، تجلی آیه آغازین سوره اسراء و برخی آیات سوره نجم بیشتر مطمح نظر شاعران و نویسندگان بوده است. نظامی در بین شاعران بیش از هر شاعری به توصیف و ذکر معراج با تکیه بر آیات قرآنی پرداخته است هر چند تصویر سازی‌های او از حیث زیبایی قابل تأمل است:

ای سید بارگاه کونین	نسباً شهر قاب قوسین
رفته ز ورای عرش والا	هفتاد هزار پرده بالا
ای صدر نشین عقل و جان هم	محراب زمین و آسمان هم

(همو، منظومه لیلی و مجنون)

و در جایی دیگر از منظومه لیلی و مجنون به «ما زاغ البصر و ما طغی» اشارت دارد:

ربع فلک از چهار گوشه	داده ز درت هزار خوشه
از سرخ و سفید دخل آن باغ	بخش نظر تو مهر «مازاغ»

(همانجا، ۱۴)

و در هفت پیکر نیز با اقتباس از آیات قرآن کریم آمده است:

«قاب قوسین» او در آن اثنا	از «دنی» رفت سوی «وادنی»
---------------------------	--------------------------

(همو، هفت پیکر، ۱۳)

مضمون بیت اشاره به آیه «ثم دنی فتدلی، فکان قاب قوسین اوادنی» دارد.

و در همان اثر:

چشم او را که مهر «مازاغ» است	روضه گاهی برون از این باغ است
------------------------------	-------------------------------

(همانجا، ۸)

نجم الدین رازی در مرصاد العباد در بیان ختم نبوت به محمد صلی الله علیه و آله آورده است: «خواجه می گفت: مالی و للدنیا انما مثلی کمثل راکب راح فی یوم صائف فنزل و استراح فی ظل شجره ثم ركب و راح. من از کجا و دنیا از کجا؟ من آنم که در مقام سدره هر چه در خزانه غیب جواهر و نفایس ملک و ملکوت بود جمله بر من عرضه کردند، بگوشه چشم همت به هیچ بازنگریستم که «اذ یغشی السدره ما یغشی ما زاغ البصر و ما طغی» بلکه نقد وجود نیز در آن قمار خانه کم زدم، و پرواز کنان از دروازه عدم به آشیان اصلی «اوادنی» باز شدم. شیخ فرماید رضی الله عنه. (هموه، ۱۳۲)

جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی در ترکیب بند معروف خود در نعت حضرت رسول (ص) آورده است:

ای از «برسدره» شـاهراحت وی قبه عرش تکیه گاهت
ای طاق نهم رواق بالـا بشکسته ز گوشه کلاهت
(همو، ۲)

عراقی شاعر قرن هفتم در دیوان اشعارش با انتخاب وزن و بحر عروضی مناسب به زبان عربی قصیده‌ای را با ستایش پروردگار و سپس توصیف پیامبر (ص) با الهام از قرآن کریم به هم در پیوسته است:

تعالی من توجد بالکمال تقدس من تفرد بالجلال
له قدم تخطی العرش سیراً له همم نظیر الی المعال
و «سبحان الذی اسری بعبد» من الاقصی الی حرم الوصال
فجمله بأثار التجلی و کحله بانوار الجمال
(همو، دیوان اشعار)

عطار نیشابوری که از منظومه سرایان و داستان پردازان پرآوازه زبان فارسی است در جمیع منظومه‌هایش می‌توان اشارات قرآنی را نمایان ساخت؛ در منظومه خسرونامه:

ملایک خاشه روب گلشن او خلایق خوشه چین خرمن او

نیازش پیک راه «قاب قوسین» نمازش جلوه‌گاه العین

(عطار، ۱۷)

سنایی غزنوی نیز در مثنوی‌های خود که متأثر از آیات مبارکه قرآن است به این صورت

بیان می‌کند:

در حدیقه الحقیقه:

گفت سبحانش «الذی اسری» شده زآنجا به مقصد اقصی

(سنایی، ۱۱۵)

و در همان اثر:

دو جهان پیش همتش به دو جو «سرما زاغ و ماطغی» بشنو

صدر او صدر ملک استغناء «قاب قوسین» قلبش «اودنی»

(همانجا)

در سوانح الافکار رشیدی مولف پس از حمد و ثنای پروردگار در توصیف پیامبر

اکرم (ص) آیات قرآن کریم را با شیوه و سبک ویژه خود در مطلع اثرش آورده است:

آن صاحب تاج و نگین «ولکن رسول الله خاتم النبیین» سلطان تخت نشین «کنت نبیا و

آدم بین الماء و الطین» برهان بحث «علمت علم الاولین و الاخرین» ناصب لوای «شفاعتی»

واهب آلائی والای «امتی امتی» زیبا رفتار «سبحان الذی اسری» خوب گفتار «و ما ینطق عن

الهی» ندیم خلوت عزت «فاوحی الی عبده ما اوحی» محرم حریم فرشتگان، «فکان قاب

قوسین اودنی». بعد از ذکر آیات و صفات پیامبر اکرم (ص) ابیاتی را در صفت معراج بیان

داشته است:

رسول مشرق و مغرب امام اهل هدی که بر بساط شرف شهسوار کونین است

زهی بلند کمانی که در صف دعوی همه نشانه او قلب «قاب قوسین» است

(همو، ۲۴۶)

مولانا در تمامی دفاتر مثنوی گرانسنگ خود اشارات زیبایی به معراج دارد در بیت زیر از دفتر دوم مثنوی با ذکر ترکیب «سکان افق»، «افق اعلی» را از سوره نجم فریاد می‌آورد:

نزد آن که لم یذق دعوی است این نزد «سکان» افق معنی است این
(همو، دفتر دوم، ۱۶۱)

و سلمان ساوجی در مثنوی «جمشید و خورشید» بهره‌های خود از آیات قرآنی را به این شکل می‌سراید:

«... چو از بیت الحرام احمد سفر کرد به سوی «مسجد الاقصی» گذر کرد
خطاب آمد ز سلطان عطا ده که «سبحان الذی اسری بعبده»
چو تیر غمزه در یک العین رسید از خوابگاه تا «قاب قوسین»
(همانجا، ۱)

علامه قطب الدین شیرازی در کتاب «معراج، ملهم از آیات قرآن قرار می‌گیرد»
الدباج» با نثری ویژه در مقام ترسیم

«... و صوت عندلیب خوش نعمت: «اوتیت جوامع الکلم»، که در ریاض قدس: «فسیح بحمد ربک»، داستان تسبیح و تقدیس می‌زد، از آشیان: و «هو بالافق الاعلی» بر اغصان: «سدرۃ المنتهی» بر ترنم: «لا احصی ثناء علیک مقصور بود». (شیرازی، مقدمه)

جامی شاعر قرن نهم نیز اقتباس از آیات قرآن کریم را در تمامی آثار خود با وزن و آهنگ مناسب داشته‌است. نمونه‌ها را از منظومه «یوسف و زلیخا» با اشاره به آیه سوره اسراء می‌آوریم:

شد از سبوحیان گردون نواده که «سبحان الذی اسری بعبده»
(همو، ۵۸۵)

شیخ محمود شبستری در رساله «حق الیقین» که با نثری روان و توأم با آیات قرآنی تنظیم شده است به توصیف پیامبر اکرم (ص) مستند به آیات قرآن و احادیث پرداخته است:

«... و زبده نهایت کمال و لکن رسول الله و خاتم النبیین ناظر: لقد رای من آیات ربه الکبری و سامع: فاوحی الی عبده ما اوحی. محرم سرای اسری، صدر صفه اصطفی، محمد مصطفی علیه من الصلوات افضلها و صد هزاران هزار آفرین، بر اهل بیت پاک و پاک آیین و یاران گزین او...» (همانجا)

امیر حسینی هروی در منظومه‌های «کنز الرموز» و «زاد المسافرین» تجلی آیات قرآنی را با این سبک ترسیم نموده است:

قرب «اودنی» نموده رتبش
و:
سر «اسری» در طریقت یافته
ویا:
در مقام لی مع ... خلوتش
سر «اوحی» در حقیقت یافته

ذات او مقصد کونین آمده
عشق را گویی که در قرآن نگفت
چون گشت مقام قرب اعلی
توتیر و کمان تست کونین
آنجا که دو گوشه کمانست
هر تیر که بر کشد کماندار
مسند او «قاب قوسین» آمده
عشق را در گنج «ما اوحی» نهفت
هست از پس «اذ دنا تدلی»
اینست رموز «قاب قوسین»
سر ازل و ابد نهانست
نزدیک رسد دو گوشه ناچار
(همو، ۳۸۴)

نتایج مقاله

آنچه مسلم است جلوه‌های آیات قرآنی و معراج در اکثر متون نظم و نثر با سبک ویژه شاعران و نویسندگان وجود دارد و در این مقال تلاش نویسنده بر این بود که اشارات مستقیم به آیات قرآن کریم را بر اساس عنوان مطروحه به عنوان شواهد مثالی ذکر نماید. با درنگ و تعمق در اشعار کسانی چون عطار، سنایی، مولانا و نیز آثاری چون مقامات حمیدی، آداب الحذب و الشجاعه، روح الجنان فی الشیخ روز بهان، مجالس النفائس، الصفا، ظفرنامه، ارشاد الزراعه، مدار الافاضل و سلوک می‌توان نتیجه گرفت که از اواخر قرن پنجم و یا اوایل قرن ششم به بعد تجلی معراج و آیات قرآنی در ادب پارسی به عنوان یک سنت ادبی در دیباچه‌های آثار؛ بیشتر دانشمندان مورد توجه قرار گرفته است. به این صورت که سخنوران، شاعران و ادیبان مسلمان پس از پرداختن به توحید باری تعالی و نعت پیامبر (ص) به بر شمردن معجزات، فضایل آن حضرت (ص) از معراج و اشارت‌های قرآنی در این باره یاد کرده‌اند. ضمن اینکه در لابلای آثار نیز علاوه بر دیباچه‌ها اشارت‌هایی به این مهم شده است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اصفهانی، جمال‌الدین، دیوان اشعار به تصحیح دستگردی، تهران: سنایی، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۳- جامی، عبد الرحمن، کلیات (یوسف و زلیخا)، [بی تا] و [بی جا].
- ۴- حسینی هروی، امیر، مثنوی‌های عرفانی کنز الرموز، زاد المسافرین، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۵- رازی، نجم‌الدین، ۱۳۶۶، مرصاد العباد، تهران: علمی فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- ۶- سنایی، مجدود بن آدم، حدیقه الحقیقه، به تصحیح مدرس رضوی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- ۷- ساوجی، سلمان، کلیات، تهران: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- ۸- شبستری، محمود، رساله حق‌الیقین فی معرفه... و العوالم، تهران، [بی تا] و [بی جا].
- ۹- شیرازی، قطب‌الدین، التاج...، [بی تا] و [بی جا].

- ۱۰- عراقی، دیوان اشعار، [بی تا] و [بی جا]، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۱۱- عطار نیشابوری، خسرونامه، تهران: زوار، سوم، [بی تا].
- ۱۲- مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی، دفتر دوم، ۱۶۱، ۳۵۸۱.
- ۱۳- نظامی گنجه‌ای، الیاس، لیلی و مجنون به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۴- همو، هفت پیکر، تصحیح پیشین، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- ۱۵- همدانی، رشید الدین فضل... سوانح الافکار، به کوشش: محمد تقی دانش پژوه، ۱۳۵۸ هـ.ش.